

راه و رسم

# پایان نامه نویسی

ذبیح الله نعیمان

نسخه ۱: ۲ مرداد ۱۴۰۰



# بسم الله الرحمن الرحيم

و به نستیعن انه خیر ناصر و معین  
والحمد لله رب العالمین  
و صلی الله علی محمد و آله و سلم  
و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم القیامة  
اللهم اخرجنا من ظلمات الوهم و اکرمننا بنور الفهم

امیر المؤمنی علی (ع):  
«إن رأیک لا یتسع لکل شیء ففرّغه للمهم»

امام باقر (ع):  
«لا تُشعروا قلوبکم الإشتغال بما قد فات فتشغلوا أذهانکم عن الإستعداد  
لما لم یأت» (الکافی، ج ۲، ص ۳۱۳).

## فهرست

درآمد	۴
مرحله یک. مطالعات مقدماتی برای انتخاب موضوع	۶
مرحله دو. تهیه طرح اجمالی	۹
مرحله سه. مطالعات تکمیلی	۱۳
مرحله چهار. تهیه طرح تفصیلی و نگارش کلیات تحقیق	۱۶
الف. تذکرات مربوط به کلیات تحقیق	۱۶
ب. کیفیت تنظیم محتوای پایان نامه	۲۲
مرحله پنج. مرحله‌ی نگارش پایان نامه	۲۴
الف. کیفیت بهره‌گیری از آراء و اندیشه‌های دیگران	۲۴
ب. امور شکلی	۲۹
ج. به‌کارگیری استیل‌ها برای متن و تیترها	۳۱
د. تذکر اخلاقی - علمی	۳۴

## درآمد

پایان نامه نویسی به عنوان تلاشی پژوهشی - آموزشی است که طی آن طلاب و دانش جویان گرامی مسأله‌ای جدی را مورد تأمل و پژوهش قرار می‌دهند. این کار در دو سطح ۳ و ۴، و در آینده در سطح ۵ به قصد تهیه‌ی رساله‌ی اجتهادی در حوزه‌های علمی، و نیز در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا و گاه پس‌ادکترافزون بر ارتقای توانمندی‌های پژوهشی، به تناسب سطح به تولید دانش می‌پردازد.

این کار طی مراحل مختلفی انجام می‌شود که در همه‌ی مراحل محقق اصلی‌ترین نقش را بر عهده دارد و با بهره‌گیری از راهنمایی‌های گروه علمی، اساتید مشاور، راهنما و داور به تدریج شکل گرفته و ارتقا می‌یابد:

یک. مطالعات مقدماتی برای انتخاب موضوع؛

دو. تهیه طرح اجمالی؛

سه. مطالعات تکمیلی؛

چهار. تهیه طرح تفصیلی و نگارش کلیات تحقیق برای موضوع مصوب؛

پنج. تحقیق و نگارش پایان‌نامه پس از تصویب؛

شش. ارزیابی انتقادی پایان‌نامه توسط اساتید راهنما و مشاور و اعمال اصلاحات مدّ نظر آنان؛

هفت. داوری پایان‌نامه و دفاع از نقدهای داوران و اعمال اصلاحات مدّ نظر آنان (طی یک مرحله یا دو مرحله)؛

هشت. آماده‌سازی نهایی برای انتشار.

در ادامه برخی از تذکرات لازم برای کمک به طلاب و دانشجویان گرامی ارائه می‌شود.

## مرحله یک. مطالعات مقدماتی برای انتخاب موضوع

انتخاب موضوع برای پایان‌نامه در هر یک از مقاطع تحصیلی منوط به شناخت مناسب نسبت به موضوعات متنوع و مسائل مربوط به هر یک از آنها در حیطه رشته تحصیلی است. این امر مقتضی مطالعاتی مقدماتی است تا پژوهش‌گر بتواند موضوعی را به عنوان موضوع پایانه‌نامه دنبال کرده و در نهاد آموزشی مربوطه به تصویب برساند. در این زمینه باید گفت:

۱. بدون شناخت این موضوعات متنوع و مسائل مربوط به آنها امکان ترجیح و گزینش یکی از آنها وجود نخواهد داشت.

۲. هر موضوعی مناسب انتخاب آن به عنوان موضوع پایان‌نامه نیست. چراکه بسیاری از آن موارد اهمیت چندانی ندارند. چنان‌که، بسیاری از موضوعات مهم پیش‌تر توسط پژوهش‌گران بررسی و تحقیق شده‌اند. بر این اساس، بررسی مجدد آن موضوعات لزوماً دستاورد متمایزی نخواهد داشت.

۳. برخی از موضوعات تکراری نیازمند بررسی مجددند. چه آن‌که، می‌توان با رویکردی متمایز از پیشینیان به آن موضوع پرداخت. اما این امر هنگامی احراز خواهد شد که پژوهش‌گر کارهای پیشینیان را دست‌کم مروری اجمالی و در مواردی به صورت تفصیلی مورد تأمل قرار داده باشد.

۴. موضوعی را می‌توان به عنوان پایان‌نامه برگزید که مسأله‌ای جدی باشد و بتواند به عنوان دغدغه‌ای برای پژوهش‌گر مطرح شود. در غیر این صورت، چندان ارزش تأمل نخواهد داشت.

۵. برخی در مرحله‌ی آموزش، به‌خاطر ضعف نظام آموزشی یا سستی خود آنان در امر آموزش، دغدغه‌ای نسبت به هیچ مسأله‌ای نیافته‌اند و به دنبال آن هستند که موضوعی ساده به آنها پیشنهاد داده شود و آنان به سرعت درباره‌ی آن پایان‌نامه‌ای بنویسند. اما چنین افرادی باید بدانند که تمام موضوعات ساده قبلاً کار شده است. از این رو، باید بدانند چاره‌ای جز تقویت مطالعات مقدماتی برای یافتن موضوعات مناسب ندارند.

۶. هیچ محقق‌ی نمی‌تواند بدون برقراری ارتباط و احاطه بر موضوع و بدون بررسی ادبیات پژوهشی درباره‌ی آن موضوع، صرفاً پیشنهاد دیگران درباره‌ی انتخاب آن مورد را بپذیرد. چرا که نگارش طرح اجمالی، نگارش طرح تفصیلی و تدوین پایان‌نامه صرفاً از طریق مطالعه مقدماتی و در مراحل بعدی با مطالعه و پژوهش تفصیلی انجام خواهد گرفت.

به تعبیر دیگر، نه تنها تهیه طرح تفصیلی، بلکه تهیه طرح اجمالی نیز منوط به شناخت موضوع و مسائل پیرامون است. اما این امر هم بدون مطالعات مقدماتی و بعد مطالعات تکمیلی و تفصیل محقق نخواهد شد.

۷. مطالعه‌ی مقدماتی نمی‌تواند صرفاً با تکیه بر مطالعه منابع موردی انجام گیرد. چه آن‌که، پژوهش و نگارش پایان‌نامه می‌بایست با تکیه بر منابع بسیار متنوع انجام گیرد. اما اکتفا به یک یا چند منبع محدود، نه می‌تواند به اندازه‌ی لازم افق دید پژوهش‌گر را باز کند و نه او را برای بهره‌گیری از منابع فراوان و متنوع آماده کند. از این رو، مطالعات مقدماتی باید از تنوع و کثرت فراوانی برخوردار باشد. گویا آن‌که، مطالعه‌ی عمده‌ی آنها به اندازه‌ی مرور اجمالی کفایت می‌کند.

۸. تقویت مطالعات اجمالی ذهنیت فرد را برای دقت در انتخاب عنوان، بیان مسأله و معرفی آن در طرح اجمالی و تفصیلی تقویت خواهد کرد.



## مرحله دو. تهیه طرح اجمالی

تهیه‌ی طرح اجمالی می‌بایست با تکیه بر مطالعات مقدماتی به اندازه‌ی کافی انجام گیرد. در غیر این صورت، انتخاب موضوع و کیفیت معرفی آن نمی‌تواند از اتقان لازم برخوردار شود. از این رو، برای طرح اجمالی موارد مختلفی باید لحاظ شود:

۱. **محدود بودن دایره‌ی موضوع:** طرح اجمالی با معرفی عنوان موضوع آغاز می‌شود. قلمرو موضوع می‌بایست متناسب با مقطع تحصیلی از محدودیت خاصی برخوردار باشد. از این رو، موضوع پایان‌نامه سطح چهار حوزه یا دکترای دانشگاهی در مقایسه با موضوع پایانه سطح سه یا کارشناسی ارشد محدودتر و مضیق‌تر است. اما هر دو مقطع تحصیلی مقتضی آن است که موضوع وسیع دیده نشود.

۲. **مسأله‌محوری در گزینش موضوع:** موضوع پایان‌نامه می‌بایست ناظر به امری باشد که در عالم خود مسأله باشد و دغدغه‌ای برای متخصصان آن رشته باشد. در غیر این صورت، دستاورد آموزشی - پژوهشی خاصی برای آن پایان‌نامه نمی‌توان در نظر گرفت. چنان‌که، مقالات علمی - پژوهشی نیز باید از این ویژگی برخوردار باشند. بر این اساس، مقاله‌ی مستخرج از پایان‌نامه‌ی ضابطه‌مند به خوبی خواهد توانست از این ویژگی برخوردار شود. مسأله‌محوری می‌تواند در طرح اجمالی در قالب اشاره‌ی شفاف

و کوتاه به مسأله‌ی اصلی نویسنده انجام گیرد. این مسأله معمولاً از طریق اشاره به عنوان پایان‌نامه به صورت سؤالی انجام گیرد.

**۳. تکیه بر ادبیات پژوهش:** گزینش موضوع نمی‌تواند در خلأ انجام گیرد. چه‌آن‌که، دانش و پژوهش‌های رایج به صورت مستمر در حرکت و زایش‌اند. از این‌رو، بی‌توجهی به پیشینه‌ی مسائل و ادبیات پژوهش، محققان را به نقطه‌های بازخواهد گرداند که محققان مراحل‌ی از آن دور شده‌اند. نگارش طرح اجمالی به صورت ضابطه‌مند و علمی منوط به آشنایی و بلکه، شناخت این پیشینه‌ها و ادبیات بحث است. بخشی از طرح تفصیلی بیان ادبیات پژوهش است. اما این کار در طرح اجمالی چندان ضرورت ندارد. اما نگارش طرح اجمالی پخته و قوی منوط به این تلاش و مجاهدت علمی است. هرچند گاه می‌توان به صورت اشاره‌وار نیز می‌توان به برخی از موارد مهم پرداخت.

**۴. احراز ضرورت بازنگری در موضوعات تکراری:** در مواردی نیاز به بازنگری تحقیقات گذشته امری ضروری و رواست. اما این امر صرفاً با اشراف بر ادبیات پژوهش امکان دارد.

**۵. نوآمدی موضوع و نوآوری محتوایی:** موضوع می‌بایست نسبت به موضوعات پیشین نوآمد باشد و تکرار موضوعات و مسائل پیشین نباشد تا زمینه‌ای برای نوآوری محتوایی باشد. نوآمدی موضوع متکی بر توانمندی افراد برای نوآوری است. اما انتظار این نوآمدی و نوآوری معمولاً مربوط به رساله‌های سطح چهار و اجتهادی و نیز رساله‌های دوره‌ی دکتراست. درحالی‌که، الزامی برای نوآمدی موضوع و نوآوری محتوایی در پایان‌نامه‌های سطح ۳ و کارشناسی ارشد نیست.

## ۶. **ضرورت اقتناع‌گری طرح اجمالی:** طرح‌نامه‌ی اجمالی باید بتواند اعضای

شورای علمی را برای تصویب موضوع قانع کند. این امر هنگامی اتفاق می‌افتد که هم موضوع معمولاً تکراری نباشد و هم توضیحات فشرده‌ی دانش‌پژوهان به‌گونه‌ای منسجم، هدف‌مند، گویا، متمرکز بر تبیین موضوع تنظیم شده باشد. این امر منوط به مطالعات مقدماتی کافی و نیز منوط به تأملات جدی دانش‌پژوهان و طلاب گرامی در نگارش طرح‌نامه است. از این‌رو، کسانی که با عجله به نگارش طرح پرداخته و مطالعه و تأمل کافی درباره‌ی آن ندارند، معمولاً به راحتی نمی‌توانند نظر شورای علمی مربوطه را جلب کنند.

## ۷. **تبیین اصل موضوع:** طرح اجمالی به هدف معرفی و تبیین موضوعی به

نگارش درمی‌آیند که در آغاز طرح‌نامه مورد اشاره قرار گرفته است. از این‌رو، دغدغه‌ی نویسنده می‌بایست متوجه تبیین همان عنوان باشد و توضیح او بر معرفی و بیان همان متمرکز شود. نویسنده در این تبیین می‌بایست با عنوان سازگاری شفافی داشته باشد و از پرداختن به حواشی غیر ضرور بپزدازد. چنان‌که، اشاره به سؤال اصلی نویسنده می‌تواند دغدغه‌ی او را شفاف کند.

## ۸. **تبیین هدف:** هر پژوهشی هدفی را دنبال می‌کند. تبیین موضوع نمی‌تواند بدون

بهره‌گیری کوتاه و گویای نویسنده از بیان هدف خود انجام گیرد. هدف او می‌تواند به صورت ایجابی و استدلالی یا سلبی و انتقادی باشد. چنان‌که، پژوهش او می‌تواند به هدف مقایسه و تطبیق دیدگاه‌های مختلف انجام گیرد.

## ۹. **بیان فایده و اهمیت:** نویسنده به صورت اشاره‌وار می‌بایست فایده‌ی بررسی

موضوع مورد نظر خود و اهمیت آن را بیان کند.

## ۱۰. فشرده‌سازی طرح ذهنی تفصیلی در قالبی فشرده: در مجموع، هر

موضوعی ابعادی دارد که بدون توجه به آنها نویسنده نخواهد توانست پایان‌نامه‌ای درباره‌ی آن بنویسد. نگارش طرح تفصیلی منوط به تصویب موضوع و طرح اجمالی است. اما نویسنده با تکیه بر مطالعات مقدماتی کافی باید طرحی نسبتاً تفصیلی در ذهن خود برای نگارش پایان‌نامه داشته باشد تا بتواند آن را در قالبی فشرده تحت عنوان طرح اجمالی به خوبی پیروراند.

## مرحله سه. مطالعات تکمیلی

تصویب طرح اجمالی را می‌توان حرکت نوینی در مسیر پژوهش دانست. چه آن‌که، معمولاً با تغییرات جزئی یا اساسی در عنوان پایان‌نامه، مسیر پژوهش هر فرد از مسیر پژوهش‌های دیگر تمایز می‌یابد. در این زمینه نکات زیر شایان توجهند:

۱. پژوهش‌گر پس از تصویب طرح اجمالی می‌بایست به صورت جدی خود را برای ارتقای طرح اجمالی خود به طرح تفصیلی آماده کند. این آمادگی از طریق ارتقای ذهنیت فرد و افق‌گشایی معرفتی انجام می‌گیرد.

۲. افق‌گشایی معرفتی درباره‌ی موضوع تصویب شده می‌بایست از دو طریق به صورت توأمان انجام گیرد. یکی تأملات فردی و دوم مطالعات تکمیلی. اما بی‌تردید، تأملات فردی یا حتی مشاوره‌های فرد با اساتید و محققان تابعی از مطالعات تکمیلی است.

۳. مطالعات تکمیلی می‌بایست کاملاً در راستای شفاف‌سازی موضوع و ابعاد آن انجام گیرند. طرح‌نامه تفصیلی شامل عناوین چندگانه‌ای است که توجه جدی و دقیق به آنها می‌تواند راه محقق را برای شفاف‌سازی موضوع و ابعاد آن را نشان دهد.

۴. پس از عنوان، اصلی‌ترین بخش مؤثر در پژوهش را می‌توان سؤالات اصلی و فرعی دانست که جهت‌دهنده‌ی پژوهش‌گر خواهد بود و او را از کشکول‌نویسی و انبوه‌نگاری‌های بی‌هدف دور خواهد کرد. بلکه، می‌توان سؤالات فرعی را زمینه‌ساز طراحی سرفصل دانست. از این‌رو، مطالعات تکمیلی باید بتواند این سؤالات را برای محقق به ارمغان آورد.

۵. دیگر محورهای طرح‌نامه‌ی تفصیلی نیز اهمیت خاص خود را در هدف‌گذاری برای مطالعات تکمیلی دارند.

۶. پژوهش‌گر باید بتواند با توسعه‌ی مطالعات خود هم منابع مختلف مربوط به موضوع مصوب خود را شناسایی کند و هم باید بتواند بخش‌های مربوط به بخش‌های احتمالی پایان‌نامه را مورد توجه دقیق‌تر قرار دهد. چه آن‌که، مطالعات تکمیلی شرط طراحی دقیق طرح‌نامه است. همان‌گونه که منابع نگارش پایان‌نامه نیز هستند.

۷. پژوهش‌گر باید در مرحله‌ی مطالعات تکمیلی افقی تفصیلی از مسائل و دیدگاه‌های مربوط به موضوع مربوط به خود را شناسایی کرده و خود را برای ورود به آنها آماده کند.

۸. پژوهش‌گر به تدریج با توسعه‌ی مطالعات خود درخواهد یافت که منابع موجود تنوع عجیبی را در طرح مسأله و طرح پاسخ و کیفیت تحلیل دارند. از این‌رو، بسیاری را پس از بررسی انبوهی از منابع به مرحله‌ای از سردرگمی پژوهشی خواهند رسید. اما این امر می‌بایست از طریق مشورت با اساتید راهنما و مشاور حل شود.

۹. هنگامی ابهام‌ها کاسته خواهد شد و فرد از سردرگمی پژوهشی دور خواهد شد که فرد پس از مطالعات انبوه فراغتی برای تأمل و جمع‌بندی برای خود فراهم آورد و تلاش کند جمع‌بندی خود را در قالب طرح تفصیلی دنبال کند. تلاش برای دست‌یابی

به سؤالات فرعی در قالبی منضبط و درون‌سازوار راهی برای عبور از این ابهام‌هاست. چنان‌که، طراحی چارچوب نظری شفاف برای پاسخ به سؤال اصلی می‌تواند مسیر او را روشن‌تر کند. گویا آن‌که، در برخی پژوهش‌ها پاسخ‌های احتمالی به سؤالات اصلی و فرعی در قالب فرضیه نیز می‌تواند زمینه‌ی حرکت علمی برای بررسی دغدغه و سؤال‌های اصلی و فرعی را برای فرد مساعدتر کند.

۱۰. طراحی سؤالات اصلی، سؤالات فرعی، چارچوب نظری و روش‌شناسی هنگامی می‌تواند به خوبی انجام گیرد که تلاش‌های دیگر محققان در مطالعات تکمیلی درباره‌ی موضوعات نزدیک یا مشابه به خوبی مورد توجه و بررسی قرار گرفته باشد. این امر می‌تواند از طریق مشابه‌سازی و الگوگیری از دیگر پژوهش‌ها انجام گیرد. در غیر این صورت، طراحی طرح تفصیلی و مسیر آینده‌ی پژوهش چندان موفق نخواهد بود.

## مرحله چهار. تهیه طرح تفصیلی و نگارش کلیات تحقیق

### الف. تذکرات مربوط به کلیات تحقیق

طرح تفصیلی باید به صورت ارتقا یافته به عنوان کلیات و مقدمه‌ی پایان‌نامه استفاده شود. از این رو، توجه به مسائل زیر ضرورت دارد:

۱. کلیات تحقیق به تبع طرح تفصیلی، شامل عناوین زیر است:

- بیان مسأله،
- سؤال اصلی،
- سؤالات فرعی،
- هدف: ناظر به موضوع و مسأله پایان‌نامه
- ضرورت و اهمیت تحقیق: ناظر به موضوع و مسأله پایان‌نامه
- ادبیات تحقیق یا پیشینه تحقیق: ناظر به عنوان پایان‌نامه
- چارچوب نظری - مفهومی
- روش‌شناسی



- نوآوری تحقیق

- ساختار پایان نامه

- مفاهیم

۲. مطالب دیگری را که خارج از تیترهای فوق می باشند، در فصول مربوطه بیاورید.

۳. در بیان مسأله، از اشاره به امور پراکنده پرهیز کنید. تلاش کنید مطالبی را بیاورید که مخاطب بتواند با دغدغه‌ی شما ارتباط برقرار کند و به تفاهم با شما دست یابد.

۴. چه بسا اصلی ترین بخش طرح نامه و کلیات را بتوان سؤال اصلی و سؤالات فرعی دانست. چرا که جهت دهنده‌ی محتوای آن است و آن را از تبدیل شدن به کشکول دور می کند. به تعبیر دیگر، سؤالات اصلی و فرعی این کمک را به شما می کنند که از آوردن یا حتی اشاره به مطالب پراکنده جلوگیری کنند.

۵. سؤال های فرعی، به معنای سؤالات حاشیه‌ای و کم ارزش نیستند. بلکه، سؤال هایی می باشند که از دل سؤال اصلی زاینده می شوند. این سؤالات باید تفریع شده‌ی سؤال اصلی باشند. به تعبیر دیگر، برای پاسخ به سؤال اصلی باید به آنها پاسخ داده شود.

۶. سؤالات فرعی باید از چنان نظم، ترتیب و اتقانی برخوردار باشند که هر یک از آنها به ترتیب در قالب فصل مستقلی مورد بررسی قرار گیرند. از این رو، سرفصل های اصلی پایان نامه با محوریت آنها شکل می گیرند. این امر

مقتضی آن است که در طرح‌نامه و بخش کلیات این سؤال‌ها خوب معرفی شوند.

۷. ادبیات بحث یا تاریخچه تحقیق ناظر به عنوان رساله شماست. لذا باید معلوم کند که ضعف تحقیقات قبل در پاسخ به سؤال اصلی و سؤالات فرعی شما چیست؟

۸. نوآوری شما بر اساس ادبیات تحقیق و پیشینه آن معلوم خواهد شد.

۹. چارچوب نظری تعریف خاص خود را دارد. لذا باید مرز آن را از سایر مفاهیم به دست آورد. چارچوب نظری شما منطق حاکم بر پژوهش شما را در داخل هر یک از فصول مختلف تشکیل می‌دهد. این چارچوب نظری می‌تواند بر اساس زاویه دید یا دسته‌بندی خاصی ارائه شود که می‌تواند کیفیت بالای نوشته و تأملات پژوهشی شما را رقم بزند. از این رو، باید به بحث شما ارتباط تنگاتنگی داشته باشد.

۱۰. چارچوب نظری شما منطق حاکم بر پژوهش شما را در داخل هر یک از فصول مختلف تشکیل می‌دهد. این چارچوب نظری می‌تواند بر اساس زاویه دید یا دسته‌بندی خاصی ارائه شود که می‌تواند کیفیت بالای نوشته و تأملات پژوهشی شما را رقم بزند. از این رو، باید به بحث شما ارتباط تنگاتنگی داشته باشد.

۱۱. چارچوب نظری اگر در قالب منظومه‌ای از سؤالات روش‌شناسانه و متناسب با موضوع طراحی شود، می‌تواند به مثابه‌ی روش‌شناسی بحث شما تلقی شود.

۱۲. در ساختاربندی ذیل فصول، این چارچوب نظری است که نظم‌بخش و جهت‌دهنده‌ی آنهاست. عناوین ذیل هر یک از فصول می‌بایست بر اساس نظمی منطقی در خدمت پاسخ به هر یک از سؤال‌های فرعی باشد که هر فصل عهده‌دار پاسخ به یکی از آنهاست.

### ۱۳. مفهوم‌شناسی:

– کلیات و مفاهیم: بحث از مفاهیم، می‌بایست در انتهای کلیات آورده شود و از آوردن آن پیش از کلیات خودداری شود. زیرا خواننده هنوز نمی‌داند بحث شما چیست و از چه زاویه‌ای به بحث خواهید پرداخت؟ و آیا مطالب نوشته‌ی شما به درد او می‌خورد یا نه؟ نمی‌توان بدون مقدمه وارد بحث مفاهیم شد.

– البته برخی محققان ترجیح می‌دهند مفاهیم را پس از بحث کلیات و به صورت مجزا از آن آورند. اما بهتر است مفاهیم در ادامه‌ی کلیات آورده شود.

– هر اصطلاحی را که به کار می‌برید، به صورت شفاف معنای آن را در جای مناسب ارائه دهید.

- برای تبیین معنای واژگان عربی، می‌بایست لغت‌نامه‌های زبان عربی محوریت داشته باشد. از این رو، مراجعه به لغت‌نامه‌های فارسی یا دیگر زبان‌ها نامناسب است. مگر آن‌که، بخواهیم معادل آنها را در آن زبان‌ها سراغ بگیریم.

- در قسمت مفهوم‌شناسی، مفاهیم اصلی بیابند. چنان‌که، باید مفاهیمی طرح شوند که برای کل پایان‌نامه ضرورت دارند در این قسمت بیابند. والا بخش مفاهیم خیلی شلوغ و ملالت‌آور خواهد بود. اگر مفاهیمی استفاده محدود دارند و به‌ویژه فقط به قسمت محدود و جزئی ارتباط دارند، نیازی نیست اول پایان‌نامه به آنها پرداخت.

- مفاهیم مشابه را نیز بررسی کنید.

- تضاد و تقابل مفاهیم مربوط به سطوح مختلف را نیز در مفهوم‌شناسی بیان کنید. و این تقابل را افزون بر اشارات لغوی، به آیات و روایات استناد دهید.  
- معمولاً نسبت به تعریف اصطلاحات یا بسیاری واژگان آرای مختلف وجود دارد. در این صورت، سعی کنید دیدگاه‌های مختلف را به صورت مستند، دسته‌بندی کرده و آنها را به تناسب نیاز پایان‌نامه ارائه دهید. نه آن‌که، آنها را به صورت نامنظم مورد اشاره قرار دهید.

- تبیین مفاهیم، باید به صورتی انجام گیرد که رفع نیاز مخاطب را بکند. لذا:  
- به تعریف‌های رقیب به اندازه نیاز اشاره کند.

- طرح اصطلاحات خارج از نیاز پژوهش، ذهن مخاطب را خسته کرده و از مباحث اصلی دور می‌کند.

- اگر طی پژوهش آتی درباره‌ی یک اصطلاح معانی مختلفی وجود دارد، میان آن معانی یا مرادهای مختلف تفکیک شود.

- اگر نویسنده معنا و مراد خاصی را طی پژوهش مدنظر دارد، آن را به مخاطب معرفی کند و دلیل، انگیزه، خاستگاه و مستند خود را برای ترجیح معنا یا مراد مزبور بیان کند.

- اگر پژوهشگر به دنبال تبیین دیدگاه فرد خاصی است که اصطلاحات را به معنای خاصی به کار می‌برد، این موارد را باید روشن کند. به تعبیر دیگر، وقتی که دیدگاه شخصیت یا شخصیت‌های خاص مورد بررسی قرار می‌گیرند، باید اصطلاحات حتی الامکان دیدگاه آنان درباره معانی آنها یا مراد آنها روشن شود.

- سعی کنید، جمع‌بندی از مجموعه مفاهیم ارائه دهید و در آن هندسه و منظومه‌ی مفاهیم مربوط را به دست آورده و معرفی کنید. نه آن‌که فقط پشت سرهم آنها را بررسی کنید.

- در تحصیل هندسه مفاهیم مربوط به یک حیطه: از ادبیات قرآنی و روایی می‌توانید استفاده خوبی کنید.

- می‌توان مفاهیم را طبقه‌بندی کرد. مثال: قسط، عدالت، احسان، می‌توانند بر عناوین و مفاهیم دیگر نیز تطبیق یابند.

- در بررسی‌های کلامی، فقهی و تفسیری، افزون بر معنای لغوی، معنای عرفی زمان شارع و اصطلاحی فقها را نیز حتی الامکان دنبال کنید.

- در تبیین آموزه‌ها و مفاهیم دینی، تبیین اندیشمندان غربی درباره‌ی مفاهیم مشابه را جز در صورت ضرورت خاص (مانند ضرورت مقایسه) نیاورید. زیرا شما قرار است اندیشه‌ی اسلامی و مفاهیم عربی یا در برخی موارد مفاهیم فارسی را تبیین کنید. اما آن توضیحات معمولاً ربطی به آموزه‌ها و مفاهیم مزبور ندارند. مفاهیم آنان بار معنایی خود را دارد و بلکه، مفاهیم جدید گرانبار از پیش فرض‌های خاص است.

۱۴. **روش‌شناسی:** روش‌شناسی پایان‌نامه باید به صورت شفاف معلوم شود. به‌طور نمونه، اگر موضوع و رویکرد پایان‌نامه فقهی است، باید روش فقهی در بخش روش‌شناسی معرفی شود و در سراسر متن این روش‌شناسی حاکم باشد و از به‌کارگیری رویکردهای غیر فقهی پرهیز شود. چنان‌که، تکیه بر رویکردهای فلسفی یا تفسیری یا ... در پایان‌نامه‌های مربوط به آنها باید مشهود باشد.

## **ب. کیفیت تنظیم محتوای پایان‌نامه**

۱. در تمام پایان‌نامه، ذیل همه‌ی تیترهای اصلی و فرعی، ابتدا مقدمه‌ای متناسب با سطح آن تیترو محتوان آن، بر مباحث آتی داشته باشید تا خواننده

بداند قرار است چه چیزی را مطالعه کند. سؤال شما چیست؟ سیر بحث چیست؟ روش آن بحث چیست؟ در مجموع، بدون مقدمه‌ی زمینه‌ساز وارد تیتراهای فرعی نشوید. همواره هم لیست تیتراهای فرعی را با شماره‌گذاری در انتهای هر مقدمه‌سازی بیاورید که معلوم شود چه مباحثی خواهید داشت.

۲. نباید مقدمه مزبور خودش حاوی بحث محتوایی باشد که قرار است ذیل تیتراها و پس از مقدمه طی عناوین مستقل خواهند آمد.

۳. از تکرار مباحث در جاهای مختلف پرهیزید و در صورت ضرورت، به مباحث اشاره مختصر کنید. اما کل آنها را تکرار نکنید.

۴. **جمع‌بندی:** جمع‌بندی پایان‌نامه باید عهده‌دار ارائه‌ی مجموعه نتایجی باشد که در فصول مختلف برای پاسخ به سؤالات فرعی مهیا شده بودند و مجموعه‌ی آنها عهده‌دار پاسخ به سؤال اصلی بوده‌اند. از این‌رو، جمع‌بندی می‌بایست گویای گزاره‌های مختلفی باشد که برای پاسخ به سؤال اصلی در کل پایان‌نامه در باره‌ی آنها بحث شده است.

## مرحله پنج. مرحله‌ی نگارش پایان‌نامه

### الف. کیفیت بهره‌گیری از آراء و اندیشه‌های دیگران

۱. **بهره‌گیری و معرفی منظومه‌ی فکری:** گاهی با منظومه‌ی فکری یک فرد و نظریه خاص او کار دارید. در این صورت، باید نظریه و منظومه فکری او گزارش شود. این گزارش یا باید از طریق معرفی خودش شخصیت ارائه شود یا شما از طریق رصد اجزا و ترکیب آنها، نظریه را کشف کنید.
۲. برای گزارش و تقریر یک نظریه، باید اجزا و مؤلفه‌های اساسی نظریه در قالب هیأت تألیفی مناسبی به خواننده معرفی شوند. چنان‌که، باید از میان اجزای مختلف ارکان از غیر ارکان تفکیک شوند. بر همین اساس، باید مبانی از لوازم و ثمرات نیز تمایز یابند. پس اگر با منظومه‌ی فکری شخصیتی کار دارید، نمی‌توانید به برخی از اجزای فکر او اشاره کنید، بدون آن‌که، نگاه جامعی نسبت به نظریه و منظومه‌ی فکری او ارائه دهید. چنان‌که، معرفی



منظومه‌ی فکری بدون شناخت اجزا و بدون شناخت هیأت تألیفی آن اجزا و جایگاه و شأن هر یک از آنها مهم است.

۳. منظومه‌ی فکری را می‌توان به‌خاطر تأکید بر برخورداری از شالوده‌ی کلان و ترکیبی، تحت عنوان عقلانیت (به معنای حاصل مصدری و نه مصدری) تلقی کرد. مطالعه‌ی عقلانیت می‌تواند حداقل در دو بعد **زمینه‌شکل‌گیری** آن و نیز **محتوای آن** بررسی شود. برای آشنایی روش‌شناسانه درباره‌ی کیفیت شناخت این دو مقوله، ر.ک: ذبیح‌الله نعیمیان، **بنیادشناسی و زمینه‌شناسی عقلانیت** (روش‌شناسی شناخت و تحلیل اندیشه‌های رجال دینی - سیاسی)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲ ش.

۴. **اقتباس‌های منطقی و متناسب با منظومه‌ی فکری**: وقتی اقتباس‌های ناپخته محور کار قرار گیرد، تناقض‌های فراوان به‌دنبال آن رخ خواهد داد. به‌طور نمونه، اگر جزئی را از سخن فرد مورد اشاره قرار دهید که با مبانی اساسی آن شخصیت و با منظومه‌ی فکری او تناسب نداشته باشد، این ناسازواری رخ خواهد داد. اما اگر نگاه مجموعه‌نگر و کلان‌اندیش بر رویکرد پژوهشی حاکم باشد، می‌تواند زمینه‌ساز اقتباس منطقی و مناسبی باشد.

۵. **اقتباس‌های موردی**: گاه تکه‌های از اندیشه‌ی یک اندیشمند را نقل می‌کنید که باید مورد با نقشه‌ی بحث شما تناسب داشته باشد و سرجای مناسب از فیش‌ها استفاده شود.

۶. از اموری که از سخنان دیگران استفاده می‌کنید، باید خود شما فهم دقیقی داشته باشید و مبانی آنها را هم قبول داشته باشید. نه آن‌که، صرفاً به خاطر مشابهت یا قرابت مفهومی، از آنها استفاده کنید و به‌ویژه، عین عبارات آنها را بدون متناسب‌سازی با مباحث خود استفاده کنید.

۷. اگر دیدگاه افراد دیگر را مطرح می‌کنید باید به‌گونه‌ای هر رأی و نظر را طرح کنید که مخاطب به راحتی متوجه شود که دیدگاه دیگری را گزارش می‌کنید. نه آن‌که، ابتدا تصور کند دیدگاه مطرح شده مربوط به نویسنده است، بعد بفهمد که مربوط به دیگران است.

۸. **توجه به تطورات فکری:** برخی اندیشمندان لزوماً یک بیان یا یک دیدگاه ندارند و ممکن است در ادوار مختلف سخنان متفاوت یا آرای دیگری داشته باشند که باید به مجموعه‌ی آنها توجه کرد. حتی الامکان باید تطور دیدگاه‌ها یا دستکم تطور بیانات آنان را لحاظ کرد و آنها را گزارش کرد.

۹. حتی الامکان برای آشنایی خواننده با فضای فکری یک اندیشمند، مناسب است عناوین کتاب‌ها، مقالات و تقریرات او معرفی شود و تبیین شود که چارچوب آنها چیست؟ سیر و زمینه تدوین یا تدریس آنها چه بوده است؟ و فضای حاکم بر جهت‌دهی آن نوشته‌ها چگونه بوده و چه تأثیری بر آنها داشته است؟ و گزارش و تحلیل دیدگاه او با محوریت کدامیک و به چه دلیل با آن محوریت انجام می‌شود؟

۱۰. حتی الامکان مناسب است تأثیرپذیری یک اندیشمند از اساتید یا دیگر اندیشمندان نیز مورد بررسی قرار گیرد.

۱۱. بدون مقدمه آرای دیگران را نقل نکنید. اول مقدمه‌سازی کنید و بعد آن نکته را بیاورید.

۱۲. در نقل سخن از شخصیت‌های خاص، به‌ویژه کسی که محور بحث است، در متن به نام او اشاره کنید تا خواننده مجبور نشود از طریق پاورقی بفهمد سخن از کیست.

۱۳. اگر تبیین دیدگاه شخصیتی خاص مدّ نظر است، استناد به سخنان دیگران و نقل دیدگاه آنان باید دقیقاً معلوم شود به چه منظوری است؟

آیا برای اشاره به تفاوت رأی آنان با رأی او و بیان تشابه یا تفاوت آنهاست؟ آیا برای اشاره به نقصان اوست؟ آیا اشاره به نقطه قوتی در اوست؟ آیا برای نقد اوست؟ بر این اساس، صرف اشاره به اقوال مختلف تشویش در ذهن مخاطب درست می‌کند. مگر آن‌که، همه‌ی آن آراء در عرض یکدیگر مطرح باشند که همین نیز باید در مقدمه هر بحث باید مورد اشاره قرار گیرد یا آن‌که، می‌خواهید منشأ دیدگاه آن شخصیت را در سخنان پیشینیان او معرفی کنید. در این صورت، باید بتوانید ارتباط فکری آنان را نیز بیان کنید.

به هر حال، خواننده باید بتواند بفهمد دنبال چه محتوایی است. چنان‌که، با اشارات شفاف و کوتاه باید معلوم شود آیا بیان دیگران می‌تواند شرحی بر

- دیدگاه او باشد؟ اگر چنین است آیا خود آنان به همین منظور سخن خود را ارائه داده‌اند یا شما آن را به عنوان شرح سخنان او استفاده می‌کنید؟
۱۴. در نقل دیدگاه‌های مختلف باید بتوانید به جمع‌بندی شفافی پس از نقل‌های مختلف ارائه دهید تا ذهن مخاطب مشوش نشود.
۱۵. برای مقایسه آرای دیگران با یک شخصیت، آن‌قدر درباره آنان قلم‌فرسایی و نقل قول تفصیلی نکنید که شخصیت محوری فراموش شود یا حجم نقل از او و تحلیل نقلیات او متناسب با حجم سخنان دیگران نباشد.
۱۶. اگر از صاحب‌نظری دیدگاهی را مطرح می‌کنید که مستلزم تبیین اصطلاحات مورد نظر اوست، ابتدا به صورت مستند اشاره کنید که او در چند مورد آن اصطلاحات را در تبیین نظر خود آورده است. سپس مفاهیم مزبور را از منظر خود او و با استناد به او تبیین کنید. آن‌گاه در صورت نیاز با معنای عرفی یا اصطلاحی رایج مقایسه کنید تا بتوانید به خوبی از عهده‌ی تبیین دیدگاه او برآیید. در غیر این صورت گمان نکنید که خواننده نسبت به درستی گزارش شما نسبت به دیدگاه آن شخصیت اطمینان یافته باشد.
۱۷. در گزارش دیدگاه یک شخصیت، مناسب است به مفاهیم و اصطلاحات و نیز تقسیم‌بندی‌های مهمی اشاره کنید که به بحث مزبور ارتباط دارند، اما مورد توجه و استعمال آن شخصیت قرار نگرفته‌اند. آن‌گاه توضیحی منطقی به صورت مستند نسبت به علت عدم به‌کارگیری آنها توسط آن شخصیت اشاره کنید یا دست‌کم حدس مستندی در این زمینه ارائه دهید. آیا به‌کارگیری آن

اصطلاحات یا تقسیم‌بندی‌ها بر اساس مبانی آن فرد نادرست است یا صرفاً او به صورت طبیعی به‌کار نگرفته است؟

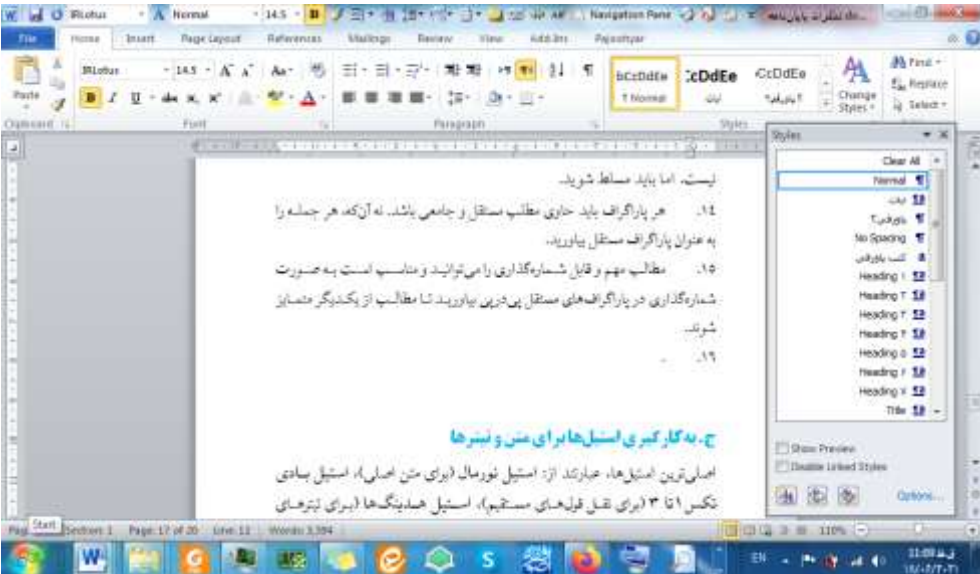
## ب. امور شکلی

۱. ذیل همه‌ی تیترها باید توضیحات کافی و متناسب با آن تیتز نگارش شود.
۲. از آوردن جملات مبهم و نارسا پرهیز کنید.
۳. بهره‌گیری از برخی مقالات و کتب، باید متناسب با بحث مورد نیاز شما باشد. نه آن‌که، هرچه در مأخذ آمده باشد، توسط محقق اقتباس شود.
۴. هیچ متنی را بدون استناد از کسی نقل نکنید.
۵. مناسب است هر بحث به صورت مستقل ارجاع داده شده و مستند شود. نه آن‌که، چند مبحث به صورت کلی مستند شوند.
۶. حتما مطالب خود را به منابع اصلی در هر بحث مستند کنید.
۷. از استناد به منابع درجه دو - متناسب با هر بحث - پرهیز کنید.
۸. کتاب‌شناسی در اولین پاورقی به صورت زیر باشد:  
نام و نام خانوادگی نویسنده، اسم کتاب، ج، چ، تحقیق: ناشر، مکان، سال نشر. ش یا ق یا م برای سال نشر.
۹. در پاورقی‌های بعدی، مشخصات خلاصه بیاید. اما اسم کتاب و جلد حتما بیاید. حتی الامکان، اسم نویسنده هم بیاید.

۱۰. نام فامیل در قسمت منابع آخر پایان‌نامه، بر اسم کوچک مقدم شود.
۱۱. آیات و روایات در متن بیایند. به‌جز آنها و به‌جز عبارات مهم عربی مانند تعاریف، مسائل مهم را در قالب عین نقل قول‌های عربی در پارواری بین دو گیومه بیاورید تا خواننده نسبت به صحت برداشت و انتساب شما تردید نکند و نیاز او به عبارات مهم علمی برآورده شود.
۱۲. برای رفتن به صفحه مستقل قبل و بعد از هدینگ یک، حتماً سکشن‌بندی کنید تا بعداً برای سرصفحه‌ها بتوانید استفاده کنید. در این مورد، به‌ناگزیر باید از فرد متبحری کمک بگیرید.
۱۳. حتماً کیفیت تعریف و تغییر استیل‌ها را بیاموزید. این کار خیلی پیچیده نیست. اما باید مسلط شوید.
۱۴. هر پاراگراف باید حاوی مطلب مستقل و جامعی باشد. نه آن‌که، هر جمله را به عنوان پاراگراف مستقل بیاورید.
۱۵. مطالب مهم و قابل شماره‌گذاری را می‌توانید و مناسب است به صورت شماره‌گذاری در پاراگراف‌های مستقل پی‌درپی بیاورید تا مطالب از یکدیگر متمایز شوند.

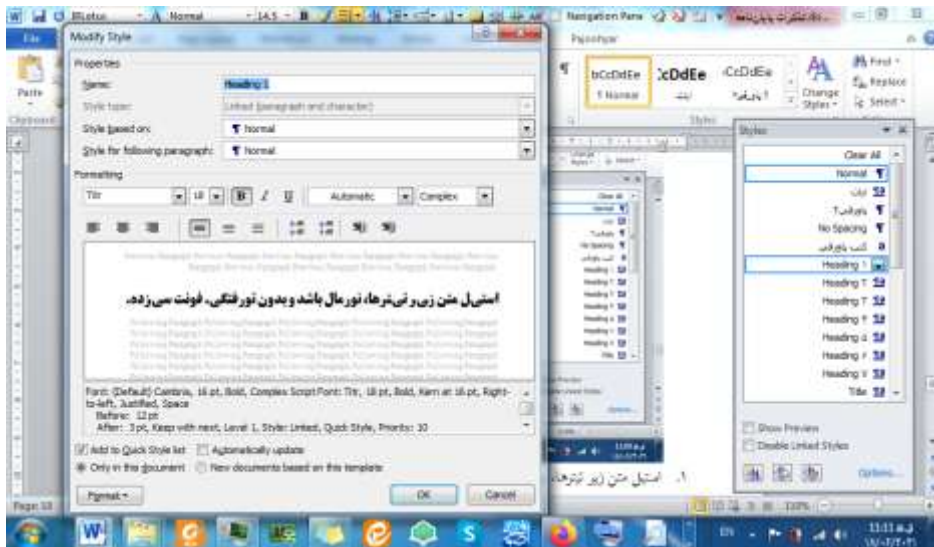
## ج. به کارگیری استیل‌ها برای متن و تیرها

اصلی‌ترین استیل‌ها، عبارتند از: استیل نورمال (برای متن اصلی)، استیل بادی تکس ۱ تا ۳ (برای نقل قول‌های مستقیم)، استیل هدینگ‌ها (برای تیرهای مختلف).



۱. استیل متن زیر تیرها، نورمال باشد و بدون تورفتگی. فونت سبزه.
۲. استیل نورمال نباید چپ‌چین یا راست‌چین یا وسط‌چین باشد. بلکه، باید دو طرفش صاف باشد و لذا از ویژگی جاستی فاید یا جاستی فاید لاو(= دو طرف منظم) استفاده شود.

۳. هیچ یک از قسمت های متن را به صورت موردی اصلاح نکنید. بلکه، ابتدا استیل مزبور را تنظیم کنید تا همه موارد آن به صورت یکجا قابل تغییر باشند. اگر به صورت موردی فونت، سایز یا دیگر موارد را اصلاح کنید، با تغییر در استیل آنها اصلاح نخواهند شد.



۴. استیل متن های بعدی بادی تکس با تورفتگی شش دهم . فونت سیزده
۵. استیل نقل قول های مستقیم با دو شماره کوچک تر از متن باشد.
۶. تیتراها: در نرم افزار ورد تیتراها باید دارای استایل هدینگ شوند تا بتوان از آنها به صورت اتوماتیک فهرست گرفت.
۷. همه ی عناوین در متن باید هدینگ باشند و فونت هدینگ ها نیز به ترتیب کوچک تر شوند.



۸. هدینگ‌های یک استیلی اختصاصی برای عناوین فصول یا

بخش‌هاست. از این رو، باید در صفحه‌ی مستقل و خالی از متن بیایند.

۹. استفاده از هدینگ‌ها برای فهرست‌گیری اتوماتیک امری ضروری است. کار با آن هم سخت نیست. اما مقداری تکرار می‌خواهد.

۱۰. از نظام هدینگ‌ها می‌توانید برای عنوان‌گذاری پله‌ای در مقام فیش‌برداری هم استفاده کنید. بدین صورت، هر فیشی از آغاز سرجای خودش برای تدوین مقاله، کتاب و پایان‌نامه نیز قرار خواهد گرفت.

۱۱. برای هدینگ‌بندی از طریق دکمه‌های زیر استفاده کنید:

- هدینگ ۱ تا ۳ شورتکات آماده دارد و نیاز به تعریف ندارد. اما ۴ تا ۹ را می‌توانید خود شما بسازید.

Ctrl + Alt + ۱ - اسم فصول: هدینگ ۱:

Ctrl + Alt + ۲ - تیتروهای الف. ب. و ...: هدینگ ۲:

Ctrl + Alt + ۳ - پله‌ی بعدی هدینگ ۳:

- به همین ترتیب هر پله‌ی پایین‌تری عدد بزرگ‌تری را به خود اختصاص می‌دهد.

- برای ایجاد هدینگ ۴ تا ۹: باید در قسمت استیل مربوط به آن، راست کلیک

کرده و دکمه‌ی مودیفای modify را بزنید. سمت چپ پایین آن، در قسمت فورمت،

دکمه شورتکات را بزنید و در آن‌جا با دکمه ترکیب ۴ تا ۹ Ctrl + Alt + به تناسب شماره

هدینگ، شورتکارت درست کنید. یا آن‌که، از قسمت نمایش هدینگ‌ها برای

هدینگ‌کردن تیتروها از هدینگ مربوطه استفاده کنید.

## د. تذکر اخلاقی - علمی

۱. به هیچ وجه عبارات دیگران را جز به صورت نقل قول مستقیم (در صورت ضرورت) استفاده نکنید. بلکه، همه عبارات از طرف خود شما نوشته شوند و به منبع مربوطه ارجاع داده شود. روشن است که این امر هم غیر اخلاقی است و هم غیر علمی. در پایان نامه که تمرین نوشتن است باید عبارت پردازی خود شما تقویت شود و بهتر و فشرده تر و گویاتر از عبارات منبع مورد استناد باشد.

۲. از پخته خواری (تعبیر مرحوم استاد و مورخ معاصر حوزوی: علی ابوالحسنی منذر) بپرهیزید. یعنی، منابع دیگران را (با ارجاع یا بدون ارجاع به مأخذ) بدون مراجعه به اصل آنها اقتباس نکنید. به گونه ای که خواننده را در این گمان باطل و کاذب بیندازید که گویا خود شما آنها را دیده اید و مستقیم از آنها بهره گرفته اید. این کار هم از جهت اخلاقی نادرست است و حق آن محقق ضایع می شود و هم غیر علمی. زیرا لزوماً دیگران هم به صورت مستقیم از منابع اصلی استفاده نکرده اند و هم اشتباه های بسیار رخ می دهد و هم آن که، معلوم نیست نویسنده لزوماً استفاده مناسب و دقیقی داشته است یا نه؟ شاید قبل و بعد آن امور مفیدتری باشد.